

دکتر جان اسوالت، پادشاهان، جلسه ۲۵، بخش ۱

دوم پادشاهان ۱۵-۱۶، بخش ۱

جان اسوالت و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

بنابراین، ما در فصل ۱۵ با عزریا، عزیا و معاصران او شروع می‌کنیم. و متوجه می‌شویم که برای یک سلطنت ساله، عزیا فضای مطبوعاتی زیادی ندارد. او فقط هفت آیه دارد ۵۲.

حالا در مورد یربعام دوم، پادشاه شمال، ما کاملاً مطمئن هستیم که چرا یربعام چیز زیادی به دست نیاورد چون او پادشاه بدی بود. اما عزیا، به آنچه در آیه سوم آمده توجه کنید، او آنچه را که در نظر خداوند درست بود انجام داد، همانطور که پدرش امصیا انجام داده بود. بسیار خوب، انگشت خود را آنجا نگه دارید و به فصل ۱۸، آیه سوم بروید.

این توصیف حزقیا است. او کاری را انجام داد که در نظر خداوند درست بود، چه؟ درست همانطور که پدرش داوود انجام داده بود. بنابراین بستگی به این دارد که با چه معیاری سنجیده می‌شوید، اینطور نیست؟ خب، در مقایسه با امصیا، عزیا خوب عمل کرد.

آره، اما این معیار نیست. معیار دیوید است. و بنابراین ما از خودمان می‌پرسیم که آیا واقعاً، خب، بله، باشه؟

تا آنجا که به آن مربوط می‌شود، جالب است که تواریخ چیزهای بیشتری در مورد عزیا به ما می‌گوید دستاوردها و نقاط قوت او را شرح می‌دهد و دلیل ابتلای عزیا به جذام را برای ما بیان می‌کند. او سعی کرد در معبد به عنوان کاهن بخور تقدیم کند. و شما نمی‌توانید این کار را در اسرائیل انجام دهید.

یک پادشاه اسرائیلی نمی‌تواند کاهن باشد، زیرا پادشاهی که امروز کاهن است، فردا خداست. بنابراین، آن جمله‌ی بسیار قاطع و محکم. فکر می‌کنم او کاری را انجام داد که برخی از کشیشان کلیسای بزرگ ما انجام می‌دهند.

فکر می‌کنم شاید او بیانیه‌های مطبوعاتی‌اش را خوانده و باور کرده باشد. این کار خیلی خطرناکی است. حالا می‌دهد؟ اگر او Kings به او فضای بیشتری نسبت به Chronicles بگذارد از شما بپرسم، فکر می‌کنید چرا او را دیس کرد، اگر بخواهید؟ نظر شما چیست؟ شما Kings یک پادشاه نسبتاً خوب و قوی بود، چرا نمی‌دانید.

باشه. خب، بذار یه کم بیشتر راهنماییت کنم. چرا که نه؟ چرا که نه؟ کینگز چطور یه پادشاه خوب رو از یه پادشاه بد ارزیابی می‌کنه؟ یه پادشاه خوب چیکار می‌کنه؟ اون از خداوند پیروی می‌کنه.

از چه راه‌هایی؟ او از شر مکان‌های بلند خلاص می‌شود. او از شر بت‌ها خلاص می‌شود. چه چیز دیگری؟ بله، برخی از جشنواره‌ها را دوباره برقرار می‌کند.

و یک چیز دیگر، او مطمئن می‌شود که به فقرا رسیدگی می‌شود. این فلسفه تاریخ تثبیه است. تنها خداوند را بپرستید.

بت‌های خدایان دیگر یا یهوه را پرستش نکنید. از شریعت خداوند، تورات، به ویژه دستورالعمل‌ها، تا جایی که مربوط به فقرا و درماندگان است، پیروی کنید. درست از طریق عهد عتیق، گواه اینکه شما به خدا تعلق دارید، اول از همه، این است که شما بت‌ها را نمی‌پرستید.

و دوم اینکه، شما به فقرا اهمیت می‌دهید. اهمیت دادن به فقرا نشان می‌دهد که شما واقعاً خدا را می‌شناسید. خب، ما هیچ نشانه‌ای نداریم که عزیا کار دیگری انجام داده باشد، جز اینکه کاملاً واضح است که او بت نمی‌پرستیده است.

اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که او واقعاً به فقرا، شکسته‌دستان و مطرودان اهمیت می‌داد. و بارها و بارها این گواه است. چگونه با کسانی که نمی‌توانند شما را برکت دهند رفتار می‌کنید؟ چه کسی نمی‌تواند لطف شما را جبران کند؟ زیرا این شخصیت خداست.

خدا خودش را رایگان می‌دهد. و سوال این است که آیا پیروانش این کار را می‌کنند؟ بنابراین، من گمان می‌کنم که تواریخ دغدغه‌ی دیگری دارد. تواریخ می‌خواهد بداند که آیا این شخص در مورد معبد و لویان و کاهنان وفادار بوده است؟ آیا او از آن افراد مراقبت کرده است؟ ظاهراً عزیا این کار را کرده است.

اما در مورد کینگز، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد او واقعاً به فقرا و درماندگان اهمیت می‌داد. خب، این فقط یک برداشت ضمنی است، نه یک بیانی‌هی واضح به آن شکل. اما من فکر می‌کنم که ممکن است اینطور باشد.

فکر می‌کنم، باز هم کشیش کیت بویت امروز در کلیسا صحبت کرد. او همچنین در مورد مسیحیان یکشنبه و آنچه این بیماری همه‌گیر از نظر همه اینها انجام داده است صحبت کرد. و اینجا دوباره، مسئله این است که آیا مسیح هر روز هفته در من زندگی می‌کند، به ویژه در نحوه برخورد من با کسانی که نمی‌توانند به من لطف کنند؟ بسیار خوب.

خب، همانطور که نمودار شما می‌گوید، در دوران سلطنت عزیا است که زکریا به سلطنت می‌رسد. و مدت کوتاهی پس از آن، او کشته می‌شود. حال، کتاب مقدس این نکته را بیان می‌کند که او نسل چهارم سلسله یهو است.

خدا به تو وعده داده بود چون تو در نابود کردن اخاب وفادار بودی. من چهار نسل به تو خواهم داد. من به تو یک سلسله ابدی نخواهم داد چون تو از آن بت‌های دان و بئرشبع روی برنگرداندی، اما چهار نسل به تو خواهم داد. و مطمئناً، اگر تو بهتر نمی‌دانستی، فکر می‌کردی که خدا به وعده‌اش عمل می‌کند.

اما این دقیقاً همان کاری است که او انجام داده است. و بنابراین، زکریا، تنها دو سال، اما او نسل چهارم پس از آغاز سلطنت یهو است. حال، من اینجا نکته‌ای را مطرح می‌کنم، و دوباره، اگر به نمودار خود نگاه کنید. خونریزی زکریا، شالوم و مناحم در واقع زمانی رخ داد که آشور هنوز ضعیف بود.

خب، چطور این را توضیح دهیم؟ چرا این همه خونریزی اینجا وجود دارد؟ چطور آن را توضیح می‌دهید؟ یادتان هست، ما سلطنت یربعام را چطور توصیف کردیم؟ سلطنت طولانی. چیزی به شما یاد دادم؟ سلطنت بسیار پررونقی بود. سلطنت تمایز زیادی بین ثروتمندان و فقرا وجود داشت.

حالا، این خونریزی چه ربطی به اون داره؟ امشب همه‌تون خیلی ساکتید. ربطی به مسائل اقتصادی داره؟ خیلی خیلی احتمالش هست. خیلی احتمالش هست.

وقتی ثروتمند و مرفه هستیم، به راحتی می‌توانیم امور را به دست خودمان بگیریم و بگوییم، خب، آنها مال خودشان را دارند؛ من هم مال خودم را. بنابراین، کتاب مقدس در مورد ثروت بسیار مبهم است. اگر ثروتمند هستید، این موهبتی از جانب خداست و بهتر است از آن برای جلال او استفاده کنید.

اما در واقع، کتاب مقدس می‌گوید که اکثر افراد ثروتمند خودشان آن را به دست آورده‌اند و بنابراین تحت داوری هستند. بنابراین، من فکر می‌کنم آنچه که ما اینجا می‌بینیم پایان آن دوره طولانی ثروت و آسایش و قدرت است و افرادی که می‌گویند، من مال خودم را خواهم داشت. من آن را به دست آورده‌ام.

این همیشه برای من خیلی جالب است. الان تعداد زیادی از ما باقی نمانده است. اما وقتی بارها و بارها از بچه‌های دوران رکود اقتصادی می‌شنوم، جمله‌ای که می‌شنوی این است که خب، فکر کنم ما فقیر بودیم، اما خودمان نمی‌دانستیم.

حالا، در دوره‌ی وفور نعمت، همه ما احساس می‌کنیم که فقیر هستیم. ما بیل گیتس نیستیم. ما یک مولتی‌میلیونر در جایی نیستیم.

خب، داری مال خودت رو می‌گیری؟ من هم مال خودم رو می‌گیرم. و هر مرد و زنی باید برای خودش زندگی کنه. فکر کنم اینجا قضیه همینه.

بنابراین، به آیه ۱۲ که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم توجه کنید. کلام خداوند که به ییهو گفته شده بود. محقق شد. فرزندان تو تا نسل چهارم بر تخت اسرائیل خواهند نشست.

سوال را پرسیدم که این گفته چه ارتباطی با صحت کتاب مقدس دارد؟ آنچه خدا می‌گوید دقیقاً، دقیقاً به وقوع می‌پیوندد. وعده‌های او.

و این درست از طریق کتاب مقدس است. درست از طریق کتاب مقدس، ما خدا را داریم که می‌گوید، حالا این چیزی است که قرار است اتفاق بیفتد. و ببین، این هم از این.

حالا، این اتفاق است که قرار است بیفتد. بفرمایید. با ابراهیم شروع می‌شود.

و خدا به وعده‌هایش عمل کرد. و بنابراین این کتاب گواهی بر قدرت وفای به عهد خداست. و سپس این کتاب از آن اقتدار خدادادی بهره می‌برد.

بله، ما می‌توانیم آن را باور کنیم. می‌توانیم به آن اعتماد کنیم. می‌توانیم روی آن بایستیم.

بنابراین، به ما گفته شده است که مناحیم شالوم را از بین برد. و اگر به آیه ۱۶ نگاه کنید، او از ترصه شروع کرد. ترصه کمی در جنوب و شرق سامره قرار دارد.

برای رسیدن به سامره باید از یک مسیر دایره‌ای عبور کرد. خیلی دور نیست. اما مشخص بود که تیرزه در مسیر است.

و شاید آنها سعی کردند جلوی او را بگیرند یا چیزی شبیه به این. اما این وحشیگری تقریباً اتفاقی است که بخشی از این ایده می‌شود. من قرار است مال خودم را بگیرم، و هیچ کس قرار نیست جلوی راهم بایستد.

بنابراین، او تیرزه را غارت کرد و شکم همه زنان باردار را پاره کرد. درست در کتاب مقدس، این تصویر تصویری است که برای توصیف وحشیگری بی‌معنی استفاده می‌شود. دریدن شکم زنان باردار و له کردن نوزادان بر روی سنگ.

ما مناحم را در حال انجام این کار نداریم. اما با این وجود، این هم از این نوع اقدامات. بنابراین، این فقط یک وحشیگری بی‌قید و شرط است.

هر کسی که سر راه من قرار بگیرد، تاوانش را خواهد داد. پس، جالب است. آیه ۱۸ در تمام دوران سلطنت او کاملاً صریح است.

حالا، این همیشه در مورد پادشاهان دیگر گفته نمی‌شود. فقط گفته می‌شود که او رویگردان نشد. اما در اینجا، در تمام طول سلطنتش، او رویگردان نشد.

سپس پولس، پادشاه آشور، به سرزمین پولس که همان تیگلات فلاسر است، حمله کرد و مناخیم هزار وزنه نقره به او داد.

توجه کنید، برای انجام چه کاری؟ برای جلب حمایت او و تقویت سلطه‌اش بر پادشاهی. آنجا چه خبر است؟ تیگلت-پیلسر با ارتشش از راه می‌رسد. مناحم چه می‌کند؟ او در حال خرید یک اتحاد است.

دقیقاً. اینجا دوباره این حس را دارید که او روی تخت سلطنتش احساس لرزان بودن می‌کند. و بنابراین، او قصد دارد راه خود را به تیگلات-پیلسر باز کند، نه فقط برای اینکه تیگلات-پیلسر را دور نگه دارد، بلکه برای اینکه تیگلات-پیلسر او را سرپا نگه دارد.

حالا، دوباره، دقیقاً. او قدرتش را در انسان می‌یابد. امنیت او در دشمنش است.

قبلاً بارها این را گفته‌ام. گناه آدم را کودن می‌کند. تیگلت-پیلسر دوست تو نیست، مناخیم.

و شما با خریدن پول، دوستی او را به دست می‌آورید. این یک سرمایه‌گذاری بسیار کوتاه‌مدت است. حالا این چه ربطی به ما دارد؟ چه ربطی به ما دارد؟ امنیت شما کجاست؟ چه چیزی شما را سرپا نگه می‌دارد؟ چه چیزی من را سرپا نگه می‌دارد؟ آیا من واقعاً برای امنیتم به چیزی که در نهایت دشمن من است وابسته هستم؟ خب، من نه مخالف سرمایه‌گذاری هستم، نه مخالف بیمه.

من دوستی داشتم که یک بار گفت، اگر بیمه داشته باشی، به خدا اعتقاد نداری. خب، من کاملاً حاضر نیستم به آن سمت بروم. فکر می‌کنم ممکن است اگر بیمه نخرید، به خدا اعتقاد نداشته باشید.

اما به هر حال. اما سوال این است که در نهایت، من به چه چیزی وابسته‌ام؟ در یک تکلیف دیگر، روی مطالعه‌ای در مورد یوسف کار می‌کنم. و در تمام فقدان‌هایش به آن فکر می‌کنم.

شما آن جمله را دارید. خدا با او بود. وای.

و فکر می‌کنم کاملاً واضح است که جوزف این را می‌دانست و روی آن حساب کرده بود. بنابراین، اگر او در مورد من دروغ بگوید و من به زندان بیفتم، خدا با من است. ما معمولاً برعکس این را می‌گوییم.

خب، مگر اینکه همه چیز خوب پیش برود، بدیهی است که خدا می‌خواهد من را مجازات کند. اما نه، خدا با او بود.